

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۲

بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی دیوان شکیبای کرمانی شاعر قرن دوازدهم

(ص ۱-۲۰)

بهناز پیامی^۱

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پاییز ۹۶

چکیده

شکیبای کرمانی یکی از شاعران خوش قریحه اما گمنام قرن دوازدهم است. نسخه خطی منحصر به فرد دیوان این شاعر با شماره ۳۸۹۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. دیوان شامل غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و یک مستزاد است. از جمله ویژگیهای شعری شکیبا در این دیوان مواردی مانند تصویرسازی زنده، بکارگیری صنایع ادبی استادانه، تلاش در آفرینش واژه‌های خوش‌آوا، گویا و تاثیرگذار، انتخاب اوزان خاص و متناسب با مفهوم مورد نظر در اشعار، بکارگیری ردیفهای فعلی طولانی و گاهی نیز پرسشی که غنای شعر و کمال مفهوم قافیه را در پی دارد و نیز استفاده به موقع و شاعرانه از صنایع ادبی در حوزه بدیع لفظی و معنوی است. روش کار در این مقاله بررسی سبکی و محتوایی دیوان شاعر از سه منظر فکری، زبانی و ادبی با هدف دستیابی به میزان موفقیت سراینده به عنوان یکی از شاعران دوره بازگشت در پیروی از شاعران سبکهای شعری پیش از خود بوده است. در نتیجه میتوان توانمندی شکیبا را به عنوان یکی از سراینندگان خوش قریحه دوره بازگشت در پیروی از شاعران سبکهای پیش از خود و موفقیت وی در انعکاس ساختار فکری، زبانی و ادبی آنها در اشعار خود مورد تایید قرار داد.

کلمات کلیدی: شکیبای کرمانی، دیوان اشعار، تحلیل سبکی و محتوایی

^۱ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور (behnazpayam@yahoo.com)

۱- مقدمه

این مقاله به بررسی شعر یکی از شعرای سبک بازگشت و زیباییهای آن میپردازد تا نشان دهد شعر این دوره بیش از حد مورد سرزنش ادبا قرار گرفته تا جایی که به عراقی نامناسب آن را کاریکاتور شعرهای پیشین خوانده اند. (ادوار شعر فارسی...، شفیع کدکنی: ص ۲۰)

۲- پیشینه پژوهش

دیوان شکیبای کرمانی تک نسخه ای است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با شماره ۳۸۹۲ نگهداری می شود. این نسخه تا کنون تصحیح نشده و درباره آن تنها یک مقاله مختصر در مجله وحید، مرداد ۱۳۵۰ شماره ۹۲- آن هم در قالب معرفی کوتاه و گذرا- از عبدالرضا افسری با عنوان " شکیبای کرمانی شاعر قرن دوازدهم" به چاپ رسیده است.

۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

احیای نسخه‌های خطی بعنوان میراث‌های ادبی و علمی ارزشمند همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است دیوانهای شعری به عنوان بخشی از میراث ادبی ما نیز از این امر مستثنی نیستند به ویژه آثار شاعرانی که در دوره ای خاص از تاریخ زیسته اند و آثارشان گویای ساختار ادبی، اجتماعی و حتی در مواقعی سیاسی روزگار آنهاست اشعاری که می تواند ما را با گذشته ادبی و تحولات زبانی سرزمینمان بیش از پیش آشنا سازد. آثار شاعران دوره بازگشت و از آن میان اشعار شکیبای کرمانی که از قریحه شگفت انگیز شاعری او خبر میدهد یکی از این میراث‌های کهن است. اهمیت چنین موضوعی در فرهنگ ایرانی و زبان و ادب فارسی، نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی یکی از این نسخه‌های ارزشمند خطی با نام «دیوان شکیبای کرمانی» بپردازد.

۴- معرفی نسخه و ویژگیهای کلی آن

این نسخه با شماره ۳۸۹۲ در بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به خط نستعلیق و ۳۶ برگ با اندازه ۱۷*۱۱ و حاشیه ۱۲*۶ و با ۳۰۰ بیت موجود است. دیوان به خط شاعر است در صفحه نخست، با خطی خوش، شاعر و دیوان او اینگونه معرفی شده است: "این نسخه که در بادی نظر ناقص و بیقدر جلوه نموده و همچون مردمان وارسته ظاهری آراسته ندارد مانند خرابه و ویرانه‌ای که در آن گنج و خزینه نهفته یا مثل میوه‌ای که درون پوست سخت و بدمزه‌ای جان گرفته باشد، اثر شاعری خوش قریحه و گوینده با قدرتی را در خود داشته که مقداری از اشعارش تا قافیه حرف سین در توالی شهر و سنین بغارت دست تطاول ایام رفته و همین قدر که بر جای مانده نمونه‌ایست از طبع عالی

گوینده‌اش و خوشبختانه در همین چند ورق مولد و موطن و تاریخ حیات و برخی از حالاتش را بخوبی میتوان بدست آورد ماده تاریخی که در فوت کریمخان زند گفته (عزیز ملک ایران از جهان رفت ۱۱۹۳) صفحه ۶۹ معلوم می دارد که تا اواخر قرن دوازدهم هجری در قید حیات بوده. قطعه‌ای در تاریخ احیای حافظ آباد بم ساخته (نهاد از نو بنای حافظ آباد) ۱۱۸۴. مدیحه‌ای درباره سید ابوالحسن خان بیگلربیگی دارد. زندگی شکیبا معرض حوادث ناگواری بوده، چنانچه در ضمن غزل صفحه ۳۷، اشاره بغوت فرزند و فقدان بینائی خود مینماید.

به شهادت همین سیصد بیت که از دیوان شکیبا مانده بطور قطع میشود گفت وی در ردیف شعرای نخبه عصر خود و دارای طبعی سرشار و شایستگی نام همشهری بودن و همکاری خواجه و وحشی و فقیه عماد را بخوبی دارد."

آغاز این نسخه متأسفانه افتاده است و نخستین صفحه موجود آن با غزلی هفت بیتی و با بیت " گفتم بدور لعل تو پر شد هجوم بوالهوس / گفتم شکر هر جا بود آنجا هجوم آرد مگس " آغاز شده و در انجمله نسخه نیز قصیده ای یازده بیتی در رثای شخصی میرزا عبدالحسین نام آمده که با بیت " آه و دردا میرزا عبدالحسین / از ریاض زندگی ناکام رفت " آغاز میشود و نسخه با بیت " از حکیم عقل پرسیدم که چون / زین چمن آن سرو سیم اندام رفت " به پایان میرسد.

نسخه رکابه دار و به خط شاعر و شکسته نستعلیق است اما در بسیاری از صفحات زیبایی این شیوه خط به چشم نمی آید و کلمات خوانا نیستند. مشکل اصلی نسخه بدخطی شاعر است

۵- ویژگیهای سبکی و محتوایی نسخه

۵-۱- سطح فکری

در بررسی دیوان شکیبای میتوان به موضوعات و مضامین ذیل دست یافت:

۵-۱-۱- موضوعات و مضامین

الف) بیان اندیشه های اخلاقی و دینی: از جمله مضامین و موضوعات اخلاقی و دینی که در دیوان شکیبا کاربرد بسیاری دارد میتوان به مفاهیمی از جمله لزوم تسلیم در برابر اراده

خداوند؛ طلب یاری از او برای رهایی از غرور و خودخواهی؛^۱ ترک دنیا خواهی و آرزوهای بی پایان؛^۲ دوری از پیمان شکنان^۳ ضرورت دوری از هوای نفس؛^۴ بی اعتباری و ناپایداری دنیا؛^۵ توکل به خداوند در همه امور^۶، ذکر نام ائمه(ع) و سوره های قرآن در مقام سوگند^۸ اشاره کرد.

ب) عشق: در دیوان شکیبا عشق به عنوان عنصری قدرتمند در هستی بازتابی گسترده دارد. پیروی شاعر از شاعران بنام سبک عراقی در غزلسرای آفرینش غزلهای زیبایی در این دیوان را موجب شده است در نگاه او عشق دریایی طوفانی است که هزاران کشتی دانش و فضل در آن غرق شده اند و گوهر معنی فقط در این دریا باید جستجو کرد:

صد هزاران کشتی پر علم و فضل غرق شد در بحر پر طوفان عشق
گوهر معنی اگر می بایدت غوطه زن در قلزم عمان عشق
(غ/۱۶-۶-۷)

ج) عرفان: عرفانی که در دیوان شاعر با آن روبرویم عرفانی معتدل از نوع عرفان سعدی است شاعر می کوشد عرفان را چاشنی غزلیات خود سازد نه اینکه اساس تفکر او باشد.

ای راحت درد درمندان از تو
رنج از تو و راحت از تو و جان از تو
(۶/ر)

سر نه به ره تسلیم گر بنده فرمانی
(غ/۳/۴۲)

وز بند خودی و خودپرستی برهان
وز رنج خمار و خواب مستی برهان
(۹/ر)

کاری بأمید منصب و مال و مثال
حاصل نشود ترا بجز وزر و وبال
(۸/ر)

کاری دگرت نیست بجز ناله و آه
لا حول و لا قوه الا بالله
(۷/ر)

مکش پیمانه عشرت به بزم سست پیمانان
(غ/۳/۳۴)

در مجلس انیس ار تو نه تابع شیطانی
(غ/۴/۴۲)

شاد خوشتر که نشینی غمناک
(غ/۷/۱۹)

که در دو کون بود مشکلات را حلال
(قص/۱۰/۴)

بحق سوره نور بسوره انفال
(قص/۹/۴)

۱- ای رنج و عنای مستمندان از تو
مارا چه سخن به رنج یا راحت خویش

از شمع رضا بشنو از بی سرو سامانی

۲- یارب تو مرا ز قید هستی برهان
از بناده غفلتم بده هشیاری

۳- همواره بمزرع جهان تخم خیال
هنگام درو چو در دسد این محصول

نیز: ای آنکه همیشه از غم منصب و جاه
بیهوده چرا تلف کنی عمر عزیز

۴- اگر صاحب دلی بشنو ز من این بند پیرانه

۵- از کوی هوس برخیز در راه هوا منشین

۶- بر گذرگاه جهان گذران

۷- رک: یادداشت^۳

۸- بحق ساقی کوثر علی آن اعلی

بزرگوار خدایا به سوره طه

چندانکه نظر دارم در کعبه و بتخانه ترسا و مسلمان را جویای تو می بینم
(غ ۶/۲۳)

از پادمی در کوسی او منشین به جستجوی او در بند مشکین موی او داری شکیبا گرسری
(غ ۸/۴۰)

د) مدح و ستایش بزرگان و پادشاهان: در اشعار باقی مانده از دیوان شاعر، قصایدی در مدح و در مواردی نیز رثای بزرگان و صاحب منصبان روزگار او وجود دارد که در آنها شکیبا مهارت خود را در توصیف ممدوحان به نمایش گذاشته است که از آن میان باید به قصیده ای ۳۲ بیتی در رثای کریمخان زند با مطلع «دریغا نیر اعظم کریمخان / ز برج طالع ایرانیان رفت» (قص / ۷) یا قصیده ای در مدح شاهزاده بوالفتح (قص / ۵)، قصیده ای در مدح میرزا ابوالحسن خان بیگلربیگی (قص / ۴)، قصیده ای مدحی برای ممدوحی نامعلوم به دلیل افتادگی در مصراع نخست قصیده (قص / ۶)، نیز قصیده دیگری نیز که ممدوح مشخصی ندارد (قص / ۳) همچنین قصیده ای در رثای میرزا عبدالحسین نامی (قص / ۸) اشاره نمود که شاعر در بعضی از این قصاید با سرودی ماده تاریخی به مناسبتی خاص مانند تاریخ وفات، تاریخ بازسازی بنایی قدیمی یا انجام کاری بزرگ اشاره کرده است.

۵-۱-۲- کاربرد اصطلاحات علمی و تعابیر

الف) اصطلاحات، واژه های پر کاربرد و موضوعات عرفانی:

به خاک آستان فقر ندهم سریر و تخت و بخت و چتر و اورنگ
(غ ۶/۱۸)

(نیز ر.ک: سیمرغ ، قاف: غ ۶/۱۳؛ جذبه: غ ۱/۲۰؛ عزلت: همان/۶؛ عشق: غ ۱/۱۶-۱۴؛ عنقا:
همان/۵؛ خط، خال، زلف: غ ۱۹/۳-۴؛ خط: غ ۳/۳۱؛ مقامات، سراپرده اسرار، پیرمغان، باده
فروش، مغیچه، می / باده عشق، خرابات مغان، خانقه، خمخانه دل، زهر فراق، شهد وصال:
غ ۱/۵-۹؛ قلندر، ابدال: قص ۴/۱۶)

ب) اصطلاحات و واژه های نجومی، اجرام و صورتهای فلکی:

دمی که ماه جمالت رود به خانه قوس نهد ز سهم تو کیوان ز کف سلاح جدال
(قص ۳/۳۸)

(نیز ر.ک: زهره و مشتری: قص ۲/۳؛ فرقدان: قص ۸/۷؛ بهرام و خورشید: قص ۸/۸)

ج) اصطلاحات و آلات موسیقی:

ببانگ صوت همایون بنغمه دف و چنگ تراست زهره مغنی و مشتری قوال
(قص ۲/۳)

گهی حسیض و گهی اوج و مطرب و عشاق بچنگ بریط و قانون زند ره غزال
(قص ۳/۳)

(نیز ر.ک: دف، زخمه، چنگ: قص ۲۲/۴؛ جوزا، میزان: قص ۱/۷-۸؛ رباب: ق ۶/۱؛ رود،

بریط، دف: غ ۱۱۴/۳؛ زیر، بم، قانون: غ ۴/۱۷)

د) اصطلاحات طبی و بیماریها:

ز لوح سینه شکبیا بشوی نقش خیال رمد: برو ز خون دل و دیده رمد دیده
(قص ۱۹/۴)

ه) اصطلاحات و تعابیر عامیانه:

عدو بخاک بغلتد چو قرعه رمال^۱ ز آب خنجر آتش اندر خون
(قص ۳۹/۳)

می گشایم فاللی از دیوان عشق گاه گاهی از پی تسکین دل
(غ ۹/۱۶)

۵-۲- سطح زبانی

۵-۳- سطح آوایی

موسیقی شعر را در هر دوره ای مبتنی بر موسیقی جملات و کلام همان عصر میدانند. ر.ک: آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص ۱۱) هنگامی که از سطح آوایی/ موسیقی شعر سخن به میان می آید باید از وزن/ موسیقی بیرونی، موسیقی کناری/ جایگاه ردیف و قافیه، موسیقی درونی/ صنایع بدیع لفظی و موسیقی معنوی/ صنایع بدیع معنوی، سخن گفت؛ صنایع ارزشمندی که بر زیبایی و تاثیرگذاری کلام می افزایند ولی با مطالعه اشعار دوره بازگشت میتوان دریافت که شعر این دوره به لحاظ موسیقی امتیازی بر دوره های پیش از خود ندارد و از آنجا که تقلید صرف از آنهاست لذا نتوانسته تغییری در حوزه موسیقی شعر ایجاد کند. در بررسی دیوان مورد نظر در می یابیم که شاعر به برخی از صنایع ادبی مانند جناس و تکرار در حوزه بدیع لفظی و ایهام، تلمیح، اغراق، حرفگرایی و ... در بدیع معنوی

^۱ - بیت در مصراع نخست به دلیل افتادگی واژه در نسخه، اشکال وزنی دارد.

توجه بیشتری داشته است که در ادامه به نمونه هایی از آنها میپردازیم.

۶- نمودهای آرایه های ادبی در حوزه بدیع معنوی

۶-۱- لفّ و نشر

الف) مرتب:

همواره ریزد پیوسته خیزد
از دیده اش اشک از سینه اش آه
(غ ۲/۳۹)

نیز: (ر.ک: قص ۱/۲؛ غ ۳/۱۵)

ب) مشوش:

ز شرم دیده و لعل و زیان جانان شد
خמוש غنچه و نرگس مریض و سوسن لال
(قص ۱۳/۳)

نیز: (ر.ک: غ ۴/۱۸)

۶-۲- حرفگرایی

این صنعت ادبی را « تشبیه به شکل و موقعیت حروف الفبا می گویند » (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۱۰)

رمیده مردم چشمم بروی همچون میم
خمیده قامتم از جور چرخ همچون دال
(قص ۲۲/۳)

۶-۳- ایهام

الف) ایهام تناسب:

در هوای لعل شیرین دمبدم
همچو مستان کوهکن آید برقص
(غ ۱۱/۶)

محور ایهام: شیرین؛ ۱- نام ۲- خوش سخن / سخن خوش که با واژه های کوهکن از سویی و مست و لعل و رقص از سوی دیگر دایره تناسبی میسازد.

ب) ایهام تبادر:

از تاب جمال تو بسوزد لاله
و ز شرم رخت شود گل آب ایساقی
(ق ۳/۱)

محور ایهام: «گل آب»: که گلاب را به ذهن متبادر می سازد و بی ارتباط با مجلس بزم و

^۱ - این مورد که در بدیع سنتی اسمی ندارد بسیار مورد توجه قدا بوده است. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۱۰)

لاله نیز نیست.

ج) ایهام چندگونه خوانی!

دور از گل رخسار تو صد خار دارم بر جگر
وز شعله دیدار تو آتش به جان دارم چو خس
(غ/۴۱)

(۱) به خاطر دوری از تو؛ ۲) از تو دور باد.

۶-۴- اغراق

ز بسکه گشته لگد کوب عدل پیکر ظلم
ز فرق شیر توان یافت نقش پای غزال
کمینه مورچه ای را اگر دهی فرمان
کشد به حکم تو از پشت شرزه دوال

۶-۵- تلمیح

صنعت تلمیح^۱ را که در دانش بدیع «اشارتی ضمنی به گذشته های دور، اساطیر و داستانهای معروف میدانند(ر.ک: نقد بدیع، فشارکی: ص ۱۴۴؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۱۰۶» در دیوان شکبیا باید در چند حوزه دسته بندی کرد از جمله: تلمیحات غنایی، حکمی، اساطیری و دینی- قرآنی.

الف) تلمیح به قهرمانان داستانهای غنایی و حکمی

«از دل فرهاد اگر یابد خبر
در هوای لعل شیرین دمبدم
جان شیرین در بدن آید برقص
همچو مستان کوهکن آید برقص»
(۱۷) و (۵۱)

تا رفتی ای جان جهان آمد دل خلقی به جان
از بس که فریاد و فغان کردم چو مجنون در فراق
(۱۸)

کریمی کز کرم صد همچو حاتم
روان اندر رکابش هر زمان [رفت]
(۶۸)

نیز (ر.ک: غ/۳۸، ۴: حکایت شیخ صنعان؛ غ/۲۱، ۲: سلمی؛ قص/۲: فرهاد)

ب) تلمیحات اساطیری: تلمیحات اساطیری را باید به سه دسته (۱) اشخاص: شامل

^۱ - از نظر راستگو این نوع از ایهام آن است که «واژه یا عبارتی را بتوان به چند گونه درست خواند و از هر خواندن معنایی برداشت.» (ایهام در شعر فارسی، راستگو: ص ۵۲)

^۲ - رضاقلی خان هدایت این صنعت را تلمیح میخواند در معنی «نمکین کردن کلام به بعضی اشارات و حکایات و اشارت کردن به وقایعی که در میان مردم و کتب و سیر و اخبار معروف و مشهور است و آن باعث نمک کلام می گردد.» (مدارج البلاغه در علم بدیع، هدایت: ص ۵۸) شمس قیس این صنعت (تلمیح) را از ریشه لمح در معنی جستن برق می داند و آنرا نزد بلغا بسیار پسندیده تر از اطناب میدانند(ر.ک: المحجم...، قیس رازی: ص ۳۷۷)

شخصیت های مثبت و منفی، پهلوانان و شاهان اساطیری و حماسی ایرانی مانند: زال، رستم، جمشید، افراسیاب، انوشیروان و ... و ۲) ابزار: مانند گرز گاوسر فریدون و ۳) موجودات ویژه: مانند سیمرغ و ... تقسیم کرد.

- تلمیح اشخاص

به پیش تیغ جهانگیر تو سپر فکنند بروز معرکه افراسیاب و رستم زال
(قص ۱۸ / ۳)

نیز: (ر.ک: قص ۱۸/۷: تهمتن؛ همان/۴: جم؛ همان / ۲۵: انوشیروان)

- تلمیح ابزاری

تو آن هژبرشکاری که همچو سرمه کنی بروز رزم سران را ز گاوسر کوپال
(قص ۳۷/۳)

نیز: (ر.ک: غ ۴/۲۴: جام جهان نما)

- تلمیح موجودات ویژه

نظر ز نعمت دنیا ببند چون سیمرغ به کنج قاف قناعت نشین فارغبال
(قص ۲۳/۴)

نیز: (ر.ک: غ ۶/۱۳: سیمرغ)

ج) تلمیحات دینی: مانند داستان هاروت و ماروت، چشمه آب حیات و داستانهای قرآنی و اشاره به نام فرشتگان، پیامبران از جمله سلیمان و خاتم سلیمانی، نوح، خضر، یوسف، محمد(ص)، عیسی، اسماعیل، یعقوب، موسی و معجزه او و شخصیت‌های دین آور مانند مانی نیز وجود دارد.

فرشته خوی ملک طینت و محمد خلق حکیم فطرت و عیسی دم و حمیده خصال
(قص ۵/۳)

تو سلیمان زمانی و کجا می دانند قیمت خاتم توحید ترا اهرمنان
(غ ۶/۲۸)

نیز: (ر.ک: غ ۳/۱۷ و غ ۹/۳۷: یوسف؛ غ ۶/۲۰: اسماعیل؛ غ ۳/۴۰: هاروت و ماروت؛ غ ۱۰/۴۲: اسکندر و چشمه آب حیات؛ غ ۷/۲۲ و غ ۸/۳۱: پیر کنعان؛ غ ۹/۳۸: یعقوب؛ قص ۴/۷ و غ ۴۲/۶: سلیمان؛ غ ۴/۱۵: نوح؛ غ ۵/۱۴: موسی؛ قص ۳/۲: خضر؛ غ ۱/۵؛ غ ۶/۴: مانی)

۶-۶- تضمین^۱

برخیز و کمر به عیش بر بند

« بگشای در سرای بستان»

(غ ۴/۳۵)

برخیز که می‌رود زمستان

بگشای در سرای بستان

(سعدی: غ ۴۴۷)

۶-۷- ماده تاریخ سازی

چو باز آمد شنیدم اینکه می گفت

عزیز ملک ایران از جهان رفت

(قص ۳۲ / ۱۷)

مصراع دوم اشاره به سال ۱۱۹۳؛ تاریخ درگذشت کریمخان زند دارد.

ز فیض لطف ربّانی بگو آن

نهاده از تو بنای حافظ آباد

(قص ۳/۴)

مصراع دوم اشاره به سال ۱۱۸۴، تاریخ احیای حافظ آباد بم دارد.

۶-۸- حسن تعلیل^۲

بگذر به اطراف چمن بنگر چومن اندر چمن

از آتش رخسار تو در سینه دارد لاله داغ

(غ ۹/۱۱)

شاعر سیاهی درون لاله را به علت داغداری و سوختن او در آتش رخسار معشوق می داند.

ز حفظ عدل تو در گردشند بهر مدار

حمل ز پیش و دگر ثور و شیر از دنبال

(قص ۸/۳)

نکته دیگر اینکه اگرچه شاعران دوره بازگشت از جمله شکیبای کرمانی به لحاظ آوایی (اوزان و بحور شعری، قافیه و ردیف) چیزی بر موسیقی سبکهای شعری پیش از خود نیفزودند و صرفاً به پیروی از ایشان در حوزه موسیقی کناری پرداختند اما بررسی آثارشان از این منظر نیز قابل توجه خواهد بود.

در بررسی سطح آوایی (چگونگی ردیف و قافیه و نیز اوزان و بحور شعری) دیوان شکیبای

^۱- در کتب بدیع این صنعت را به کارگیری مصرع یا بیتی مشهور از شاعری در ضمن ابیات دیگری می دانند. ر.ک: حدائق السحر فی دقائق الشعر، وطواط: ص ۷۳؛ البته « بر سبیل تمثیل و عاریت»؛ ر.ک: مدارج البلاغه در علم بدیع، هدایت: ص ۴۸)

^۲- هدایت در تعریف این صنعت میگوید: این صنعت چنان باشد که شاعر در شعر دو صفت بیاورد یکی به علت دیگری و غرض او خود یاد کردن آن دو صفت بود اما بر این اسلوب یاد کند که به لفظ زیباتر و بدیعتر بود. (ر.ک: مدارج البلاغه در علم بدیع، هدایت: ص ۸۳ و نیز ر.ک: المطول، التفتازانی: ص ۷۹ و نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۷۷)

نکات زیر دست می یابیم: از تمام دیوان این شاعر، ۴۳ غزل از قافیه حرف «س» تا «ی»، ۱۰ رباعی، ۱ مستزاد و ۸ قصیده و ۲ قطعه موجود است که در مجموع شامل ۳۰۰ بیت میشود. شاعر در غزلیات خود، تصویری از یک غزلسرای توانمند و مسلط بر صنایع ادبی و ظرائف شعری را به نمایش گذاشته است. انتخاب اوزان متناسب با موضوع، ردیفهای فعلی طولانی و گاهی نیز پرسشی که موجب غنای شعر و کمال مفهوم قافیه است از ویژگیهای غزلیات اوست. شاعر در انتخاب قافیه نیز با هوشیاری عمل میکند رعایت سلاست و روانی کلام و انتقال مفاهیم با استفاده از قافیه های ساده و گاهی شگفت انگیز از دیگر شاخص های شعری اوست. به بیان دیگر شاعر اصراری در به کارگیری قافیه های سنگین برای ابیات خود ندارد چراکه این وظیفه را ردیفهای زیبای غزل به عهده میگیرند. تکرار واژه های دلنشین و استادانه که در انتقال مفهومی که قرار است در غزل به یاری قافیه به عهده داشته باشد بر زیبایی کلام شکیبا افزوده است. زیرا تکرار را مقوله ای میدانند «که در نظام موسیقایی عالم وجود دارد و یکی از جلوه های آن در شعر نمود یافته است. تکرار کلمات در پایان مصراعها جنبه موسیقایی دارد و نه تنها مکمل موسیقی قافیه است بلکه با عنایت به اسم، فعل یا حرف بودن آن در تکمیل مفاهیم موجود در بیت موثر است.» (فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری: ص ۱۳۱) این خصیصه به خوبی در شعر شکیبای کرمانی نمایان است. البته مانند هر شاعر دیگری در دیوان شکیبا نیز در زمینه استفاده از ردیف و قافیه نکاتی را باید متذکر شد از جمله اینکه گاهی در برخی از غزلها و حتی قصاید چندان توجهی به به ردیف ندارد بدین معنی که در مواردی ممکن است برای چند بیت ردیف را ذکر کند اما دو یا چند بیت را بدون ردیف رها نماید. به طور مثال در غزل ۸ با مطلع:

با گل اگر روی ترا نسبت کنم باشد غلط با سنبل از موی ترا نسبت کنم باشد غلط

بیت دوم و سوم را بدون ردیف آورده است. یا در غزل ۱۷ با مطلع:

جانا دل غمدیده ام تنها نشد خون از فراق از خون دل شد دیده ام مانند جیحون از فراق

در ۴ بیت ردیف «از فراق» ذکر نشده است.

کوتاهی مصراعها، سادگی اوزان شعری و توجه کامل در رعایت تناسب محتوا و وزن از دیگر ویژگیهای هنر شاعری شکیباست به عبارت دیگر او در انتخاب اوزان شعری مطابق با مفهوم مورد نظر دقت بسیار دارد به طور مثال در غزلی که با مطلع زیر در وصف بهار، تناسب کوتاهی مصراع ها و وزن انتخابی با شورانگیزی آغاز فصل بهار هویداست:

شد فصل بهار و شد زمستان آرام و قرار شد زمستان
(غ ۳۵)

در دیوان شاعر، بحر «مجتث» بالاترین بسامد را در بین بحرهای شعری به خود اختصاص داده است. شاعر قصاید را بیشتر در دو بحر هزج و رمل سروده است. از مجموع ۸ قصیده باقیمانده از دیوان او، ۶ قصیده مدحی و ۲ قصیده مرثیه است. نکته دیگر توجه شاعر به سرودن اشعار مسجع است که نمود آن را در دو غزل ۱۷ و ۴۰ می بینیم
جانا دل غمدیده ام تنها نشد خون از فراق از خون دل شد دیده ام مانند جیحون از فراق
(غ ۱/۱۷)

انتخاب ردیفهای ویژه از جمله «فراق» و «عشق» و ... از سوی شاعر علاوه بر اینکه در انتقال مفاهیم غنایی و عرفانی مورد نظربسیار موثر است از چیرگی و مهارت او در شاعری حکایت دارد. برخی از ردیفهای طولانی این دیوان:

- ردیف جمله ای: «ترا نسبت کنم باشد غلط» (غ ۸)؛

- ردیف پرسشی: «... من داری خبر یانه؟» (غ ۳۸)

- ردیف تشبیهی: «... دارم چو شمع» (غ ۱۰)

- ردیف اسمی: «یوسف» (غ ۱۲)

توجه به تخلص نیز از نگاه شاعر به دور نمانده است. بعضی از غزلیات شکیبا دو بیت تخلص دارند که ممکن است به دلیل تردید شاعر در انتخاب بیت تخلص چنین شرایطی ایجاد شده باشد. غزل ۴۰ با مطلع زیر از آن جمله است:

رانی سمنند ناز اگر در عرصه حسن ای پری گوی صباحت می بری از مهر و ماه و مشتری
در دو غزل ۳۰ و ۳۸ شکیبا به شیوه بعضی از شاعران سبک عراقی تخلص را در بیت یا دو بیت ماقبل پایانی می آورد. گاهی این شرایط زمانی پیش می آید که به کمک بیت یا دو بیت پایانی باید مفهومی را کامل کند. بعضی از غزلیات شاعر نیز بدون تخلصند.

۷- سطح لغوی

در دیوان شکیبا اگرچه به شیوه شاعران دوره بازگشت باید طیف وسیعی از واژه های عامیانه و نیز عربی را بیابیم اما شاعر چندان علاقه ای به این کار نشان نمیدهد به طوریکه واژه های عامیانه انگشت شماری در قالبهای شعری موجود در دیوان به کار گرفته است و لغات عربی را نیز برخلاف بعضی از همعصران وی که میکوشند بخشی از قافیه ها را از بین کلمات نامانوس عربی انتخاب کنند به اقتضای حال در اشعار به کار گرفته است

۷-۱- واژه های عامیانه

از آنجا که شعر دوره بازگشت، تقلیدی از شیوه شاعری دوره های گذشته است صاحبان آثار ادبی ناخواسته، علیرغم اینکه «اغلب... باسواد و تحصیل کرده و در روزگار خویش هرکدام در دانشی سرآمد بودند... از به کار بردن واژه های متداول در زبان مردم (عامیانه) ابایی نداشتند، به طوریکه گاهی با عبارتی بسیار زیبا و جذاب در شعر مواجه می شویم که در کنار همان ترکیبات و عبارات عالی، از واژگانی سست و عامیانه و به دور از فصاحت، که ارزش زیبایی و روانی شعر را می کاهد، استفاده شده است. (ر.ک: بازگشت ادبی...، دزفولیان و شاملو: ص ۹۶) همانطور که پیشتر بیان شد واژه های عامیانه به کار رفته در دیوان شکیبا انگشت شمار است.

- از بسکه / زبسکه

گاه خرام آن ماه رو از بسکه بخرامد نکو گویی به باغ آرزو سرروی به رفتار آمده

(غ ۳۷ / ۲)

ز بسکه گشته لگدکوب عدل پیکر ظلم ز فرق شیر توان یافت نقش پای غزال

(قص ۳ / ۳۳)

نیز: (ر.ک: قص ۲۵ / ۳)

- لگن

از فروغ روی چون خورشید او شمع مجلس در لگن آید برقص

(غ ۹ / ۶)

۷-۲- استعمال لغات عربی

لغات عربی به کار رفته در اشعار شکیبا به اقتضای موضوع و بیشتر در بیان اندیشه های دینی و عرفانی، ستایش خداوند، یادکرد معصومین (ع) و نیز تلمیح به مفاهیم مذهبی، داستانهای قرآنی، پیامبران و آداب مسلمانی است. (ر.ک: ر / ۸: وزر؛ ر / ۷: لاحول و لا قوه الا بالله؛ قص ۴ / ۹-۱۰: علی، اعلی، طه، انفال، کوثر) و...

۸- سطح نحوی

۸-۱- برخی نکات املائی

(۱) به پا خواست (غلط)؛ به پا خاست (درست)

ز آب دیدگان سیلی بپاخواست که موجش تا به فرق فرقدان رفت

(قص ۷ / ۸)

نیز: (ر.ک: غ ۲۱ / ۸: دیوانه گانی قص ۳ / ۳۸: صلاح در معنی ابزار جنگیدن به جای سلاح؛ غ ۱۹ / ۷: گزرگاه، گزران به جای گذرگاه و گذران؛ غ ۲۰ / ۲: پذیرد به جای پذیرد؛ ر / ۱: درگزم به جای درگزم)

۳) حذف «ه» در کلمات مختوم به «ه» هنگام اضافه شدن به نشانه جمع فارسی «ها» و متصل نویسی نشانه جمع «ها» به کلمات:

سلسله‌ها ← سلسله‌ها، آبلها ← آبله‌ها، گلها ← گله‌ها
در پای دل از خار رهش آبلهاست بر گردن جان ز موی او سلسله‌هاست
از گردش چرخ هر کسی نالد و من از دست نگارنده چرخم گلهاست
(ر / ۵)

نیز: (ر.ک: غ ۳ / ۶: حلقها به جای حلقه‌ها)

۴) اتصال حرف «ب» به ابتدای کلمات بعد از آن:

اگر نهند بمیزان چرخ قدر ترا زمین بوزن کم آید ز نیمه مثقال
(۵۰ / ۵)

نیز: (ر.ک: غ ۱۸ / ۴: بگلشن؛ قص ۹ / ۴-۱۰: بسوره، بحق؛ ر / ۸: بمزرع؛ غ ۳۸ / ۵: براهت)

۵) در مواردی حذف نشانه «مد» روی مصوت بلند «ا»

چو آگه نیستی از معنی دل ازان رو عاشقی بر صورت گل
(ق حاشیه ۲۱ / ۱)

۶) استعمال «می» استمراری به دو صورت جدا و متصل

چوباز آمد شنیدم اینکه میگفت عزیز ملک ایران از جهان رفت
(قص ۱۷ / ۳۲)

در معرکه عشقت ای شاه سرافرازان چون گوی سر خود را در پای تو می بینم
(غ ۲۳ / ۱)

نیز: (ر.ک: غ ۲۳ / ۹-۲: پیشوند می در ردیف فعلی می بینم در سراسر غزل جدا نوشته شده است؛ غ ۲۷ / ۹: می فتد)

۷) استعمال صورت عربی کلمات و اصطلاحات عربی

زبس از شش جهه فریاد برخاست فغان برتر ز هفتم آسمان رفت
(قص ۷ / ۹)

به سر سینه صافی دلان که در هر حال
کفیل حال تو باشد محوّل الاحوال
(قص ۱۳/۴)

«ای آنکه همیشه از غم منصب و جاه
بیپهوده چرا تلف کنی عمر عزیز
لا حول و لا قوه الا بالله»
(ر/۷)

۸) استعمال صورت کهن واژه ها

پای مال غم شکبیا شد چنلک
اوفتد موری به زیر پای پیل
(غ ۷/۲۱)

نمی ماند دلا در شهر هستی
نه از شاهان اثر نی شهریاران
(غ ۱۰/۳۰)

۹) بهره گیری از ویژگیهای سبک خراسانی مانند:

الف) استفاده از وجه کهن بعضی از حروف اضافه مانند اندر به جای در:

کریمی کز کرم صد همچو حاتم
روان اندر رکابش هر زمان [رفت]
(قص ۲۶/۷)

نیز: (ر.ک: غ ۴/۲۳ و غ ۳/۲۰ و غ ۱/۲۴ و ۷: اندر)

ب) آوردن صورت کهن افعال:

- استفاده از "ی" استمراری بعد از فعل ماضی

ز بحر جود آن دریای احسان
شدندی بهره ور شاگرد و استاد
(قص ۶/۲)

نیز: (ر.ک: غ ۱۰/۱۶: وارستمی؛ غ ۵/۲۲: چه شدی)

ز رویش ناکشید غیر خجالت
اگر خواهد کشد مانی مثالش
(غ ۵/۴)

- استعمال فعل شد در معنی رفت

الا ای سرور خوبان چو شمع صبحدم برباد
براهت شد سرو سامان من داری خبر یا نه
(غ ۵/۳۸)

۱۰) استعمال ضمیر اشاره «آن»

الف) اتصال به ضمیر بعد از خود:

آنکه دامان امید تو بخواهد از دست
با قضای فلکی دست و گریبان باشد
(قص ۱۴/۶)

ب) اتصال به اسم بعد از خود:

آتش شوق رخت را در دلم
آنگلستان کن که کردی بر خلیل
(غ ۵/۲۰)

ج) به جای «او» برای ذیروح:

همای روح آن اخود بود قدسی
قفس بشکست و سوی آشیان [رفت]
(قص ۲۹/۷)

۱۱) استعمال صورت کهن قید:

پیش کفر زلف چون زَنار او
درزمان ایمان من آید برقص
(غ ۷/۶)

۱۰- سطح ادبی

در دیوان شکیبای کرمانی درکنار زیبایی قابل توجه اشعار، صنایع ادبی به اقتضای حال در ضمن کلام می‌آیند و به دور از تصنع شعری دوره بازگشت گرایش به سادگی دارند که در ادامه به برخی از آنها که بسامد بیشتری در دیوان وی دارند می‌پردازیم.

۱-۱۰- تشبیه

آرایه تشبیه بسامد سیار بالایی در دیوان شکیبا دارد در بررسی انواع تشبیه به کار رفته در دیوان او در می‌یابیم که اغلب تشبیهات این شاعر حسی به حسی و حاصل دقت شاعرانه در محیط پیرامون برای آفرینش تصاویر بدیع است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۱۰- تشبیه بلیغ

شبهها به یاد روی تو تا صبحدم در کوی تو
گردد به جستجوی تو پیک خیالم چون عسس
(غ ۲/۱)

نیز (ر.ک: غ ۳/۱: مرغ دل؛ غ ۶/۱: وادی حرمان؛ غ ۱۲/۶: طوطی نطق؛ غ ۴/۵: می عشق؛ غ ۵/۱۶: عنقای خرد؛ غ ۵/۳: کمان ابرو؛ غ ۶/۳: ناوک غمزه) و...

^۱ - بیت در وصف کریمخان زند است

۱۰-۱-۲- تشبیه تفضیل

با گل اگر روی ترا نسبت کنم باشد غلط

(غ/۱/۸)

نه دارد مشک رنگی پیش خالش

(غ/۴/۴)

نه سنبل راست بویی همچو زلفش

نیز (ر.ک: قص ۷/ ۲۵؛ غ ۲/۸-۷)

۱۰-۱-۳- تشبیه مرکب

می سوزد از فراق چون شمع در شبستان

(غ/۳۳/۴)

عمریست کین دل تنگ در تنگنای سینه

نیز (ر.ک: غ ۳/۱۹؛ غ ۸/ ۱۱؛ غ ۳/۳۵؛ غ ۵/۲؛ غ ۳/۵؛ قص ۲۲/۴؛ قص ۷/۱؛ غ ۳/۳۵)

۱۰-۱-۴- تشبیه مفروق

ز زخم زخمه دوران بسان چنگ منال

(قص ۲۲/۴)

ز ضرب سیلی ایام همچو دف مخروش

مشبه به

مشبه

مشبه به

مشبه

۱۰-۱-۵- تشبیه جمع

برتست پر ز آفت بحریست پر ز طوفان

مشبه به (۲)

مشبه به (۱)

در راه عشق ای دل آسان نمی توان رفت

مشبه

۱۰-۲- تصویر آفرینی

سعی شکیبا در آفرینش تصاویر شاعرانه به کمک عناصر محیطی از جمله با بهره گیری از گلها و گیاهان و صورفلکی با بهره گیری از آرایه های ادبی بر زیبایی اشعار او افزوده است:

۱۰-۲-۱- ویژگی ظاهری گلها

سوسن صنم سخن گزاری بوده است

چشم بت مست میگساری بوده است

(ر/۳)

لاله دل تنگ داغداری بوده است

این نرگس شهلا که تو بینی بنظر

شکیبا در این رباعی به خوبی از عهده ایجاد تصویری زیبا با بهره گیری از صورت لاله و تشبیه آن به دلی داغدار توجه به سیاهی درون لاله - و نیز شکل ظاهری سوسن و تشبیه آن به صنمی سخنور برآمده است تصویرآفرینی شاعر در بیت دوم نیز به کمک نرگس شهلا و چشم زیبارویی مست جالب توجه است.

۱۰-۲-۲- ستارگان و صورتهای فلکی

دمی که ماه جمالت رود به خانه قوس
نهد ز سهم تو کیوان ز کف سلاح جدال
(قص ۳/۳۸)

نیز (ر.ک: قص ۴/۳)

۱۰-۳- استعاره

این آرایه در صورتی موجب آرایش کلام خواهد شد و بر زیبایی و لطافت آن خواهد افزود که
بعید نبوده، مطبوع طبع خواننده باشد. (ر.ک: حدائق السحر، وطواط: ۲۹)

۱۰-۳-۱- استعاره مصرحه

گفتم بدور لعل تو پر شد هجوم بوالهوس
گفتا شکر هر جا بود آنجا هجوم آرد مگس
(غ ۱/۱)

لعل: استعاره از لب؛ نیز: (ر.ک: غ ۱/۶: سرو؛ قص ۵/۵: نخل)

۱۰-۳-۲- استعاره مکنیه

از من به آن محمل نشین ای باد شبگیری بگو
در وادی حرمان تو تا کی بنالم چون جرس
(غ ۶/۱)

۱۰-۴- مجاز

جهانی روی در صحرا نهادند
پی عشرت در این فصل بهاران
(غ ۶/۳۰)

مراد از جهان، مردم است: مجاز به علاقه محل به حال (محلیه)

۱۰-۵- کنایه

۱۰-۵-۱- کنایه از فعل یا مصدر

دور از گل رخسار تو صد خار دارم بر جگر
وز شعله دیدار تو آتش به جان دارم چو خس
(غ ۴/۱)

خار بر جگر داشتن: کنایه از رنجور بودن

قدم از جایی کشیدن: کنایه از نرفتن و دوری کردن؛ نیز (ر.ک: قص ۳۶/۳: تک از کسی یا
قدم از درگه خوبان کشیم زانکه می‌خواهم
(غ ۴/۳۴)

چیزی بردن: کنایه از پیشی گرفتن؛ قص ۳/۶: سر بر خط فرمان بودن: کنایه از مطیع بودن)

۱۱- نتیجه گیری

شکیبای کرمانی به عنوان یکی از شاعران ناشناخته قرن دوازدهم به شیوه شاعران دوره بازگشت به طبع آزمایی پرداخته است. از آنجا که درباره این شاعر خوش قریحه اطلاعاتی جز آنچه در دیوان وی آمده در دست نیست لذا زمان حیات او را باید از ماده تاریخی که در یکی از قصاید بیان داشته و به مرگ کریمخان زند (۱۱۹۳ق) اشاره کرده دریافت

نسخه دیوان او نسخه ای منحصر به فرد است که با شماره ۳۸۹۲ در بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری میشود. نسخه مورد نظر شامل ۴۳ غزل از قافیه حرف «س» تا «ی»، ۸ قصیده، ۲ قطعه، ۱۰ رباعی و ۱ مستزاد است. اشعار این دیوان از حرف «الف» تا «ث» در گذر زمان از بین رفته اند اما از اشعار باقیمانده، به قدرت شاعری و ذوق سرشار شکیبا میتوان پی برد.

در بررسی دیوان این شاعر درسه سطح فکری، زبانی و ادبی نتایج ذیل به دست آمد:

(۱) سطح فکری: با توجه به تنوع قالبهای شعری دیوان شکیبا و نیز توجه او، به عنوان یکی از شاعران دوره بازگشت، به لزوم پیروی از مفاهیم اشعار سبکهای پیش از خود، میتوان مضامین اخلاقی و دینی مانند لزوم تسلیم در برابر اراده خداوند، طلب یاری از او برای رهایی از غرور، ترک دنیاخواهی، ضرورت دوری از هوای نفس، بی اعتباری و ناپایداری دنیا، عشق، عرفان، اصطلاحات و تعبیر علمی شامل اصطلاحات نجومی، طبی، موسیقی و باورهای عامیانه را در دیوان او مشاهده کرد.

(۲) سطح زبانی: در بخش آوایی، تکرار و انواع جناس پر بسامدترین آرایه ادبی در حوزه بدیع لفظی در این دیوانند و انواع ایهام و تلمیح نیز در حوزه بدیع معنوی جایگاههای برتر را دارا هستند. انتخاب اوزان خاص و متناسب با مفهوم مورد نظر در اشعار، به کارگیری ردیفهای فعلی طولانی و گاهی نیز پرسشی که موجب غنای شعر و کمال مفهوم قافیه است نیز از ویژگیهای اشعار اوست. در بخش لغوی اگرچه یکی از ویژگیهای شعر بازگشت وفور واژه های عامیانه و نیز عربی در اشعار است اما این خصیصه کمتر در شعر شکیبا مشاهده میشود.

(۳) سطح ادبی: در این سطح نیز استفاده از صنعت ادبی تشبیه و انواع آن بالاترین بسامد را داراست و پس از آن استعاره کاربرد بیشتری دارد. اغلب تشبیهات این دیوان از نوع حسی به حسی است و رعایت این ویژگی شکیبا را به شیوه تصویرآفرینی شاعران سبک خراسانی نزدیک کرده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، ۱۳۸۱، چاپ هجدهم، ویرایش سوم، تهران: فردوس
- ۲- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، تهران: سخن
- ۳- ایهام در شعر فارسی، راستگو، سیدمحمد، ۱۳۷۰، معارف، ش ۲۲، صص ۳۷-۸۳
- ۴- التفتازانی، سعد الدین مسعود، المطول، ۱۴۲۵، الطبعة الاولى، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی
- ۵- حدائق السحر فی دقائق الشعر، وطواط، ۱۳۶۲، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری و سنایی
- ۶- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس، ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران: فردوس
- ۷- شکیبای کرمانی شاعر قرن دوازدهم، افسری، عبدالرضا، ۱۳۵۰، مجله وحیده ش ۹۲، صص ۷۲۰-۷۲۲
- ۸- فرهنگ موسیقی شعر، ذوالفقاری، محسن، ۱۳۸۰، قم: نجبا
- ۹- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران: اهورا
- ۱۰- مدارج البلاغه در علم بدیع، هدایت، رضاقلی خان، ۱۳۸۳، تصحیح حمید حسنی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- ۱۱- مکتب بازگشت، شمس لنگرودی، محمد، ۱۳۷۵، ویرایش دوم، تهران: آگه
- ۱۲- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۶، چاپ پنجم، تهران: آگه
- ۱۳- نسخه خطی دیوان شکیبای کرمانی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهرانف شماره نسخه: ۳۸۹۲
- ۱۴- نقد بدیع، فشارکی، محمد، ۱۳۷۹، چاپ اول، تهران: سمت
- ۱۵- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، ۱۳۶۸، چاپ چهاردهم، تهران: فردوس